



دانشگاه زنجان

فصلنامه تأملات اخلاقی

دوره چهارم، شماره سوم (پیاپی ۱۵)، پاییز ۱۴۰۲، صفحات ۱۰۶-۱۲۸.

شاپا الکترونیکی: ۱۱۵۹-۲۷۱۷ / شاپا چاپی: ۴۸۱۰-۲۶۷۶

مقاله پژوهشی / DOI: 10.30470/er.2023.561900.1166

طبقه‌بندی فضایل اخلاقی قرآن کریم

(با محوریت پنج شاخص: تکرار، حصر، تفضیل، تشبیه، و بررسی عبارت‌ها و مضمون‌ها)

مریم دهقانی فیروزآبادی، مهدی مهریزی طرقي، طاهره محسنی^۳

چکیده

قرآن کریم که بخش مهمی از آیات آن بیان مفاهیم اخلاقی است قصد دارد با رهنمودهای اخلاقی جامعه‌ای به وجود آورد که دارای کمال مادی و معنوی باشد. ضرورت وجود جامعه‌ی اخلاقی امروز بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود و تحقق آن ممکن نیست مگر در سایه‌سار تربیت اخلاقی که عوامل مختلف نظری و عملی در اعمال آن نقش دارند؛ از جمله عوامل نظری طبقه‌بندی مفاهیم اخلاقی است تا به این ترتیب هم بتوان به شناسایی مهم و مفاهیم اخلاقی رسید و هم گام‌های تربیتی برای تربیت نفوس افراد جامعه به درستی مشخص شود؛ لذا نویسندگان در جستار حاضر با هدف پژوهشی ذکر شده با روشی توصیفی-تحلیلی به طبقه‌بندی فضایل اخلاقی با محوریت روابط انسانی در آیات قرآن پرداخته‌اند و ۹۵ آیه را با محوریت پنج شاخص تکرار، حصر، تفضیل، تشبیه و بررسی عبارت‌ها و مضمون‌ها مورد کاوش قرار داده‌اند و بر این اساس توانسته‌اند دوازده صفت از شانزده صفت اخلاقی را به عنوان یافته‌های پژوهش در دو شاخه با نقاط اوج و تلاقی صفت اخلاقی شکر طبقه‌بندی کنند.

واژه‌های کلیدی: اخلاق، طبقه‌بندی، فضایل اخلاقی، قرآن کریم، مفاهیم اخلاقی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۷/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۷ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران m.dehghan313@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول: دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و

تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، Toosi217@gmail.com

۳. استادیار و عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی، پردیس خواران دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. t.mohseni@isu.ac.ir

مقدمه

اخلاق یکی از مهم‌ترین آموزه‌های قرآنی است و بخش مهمی از معارف و رهنمودهای قرآن را به خود اختصاص داده است تا در پی آن هدایت و تربیت اخلاقی انسان‌ها تحقق یابد و از آن‌جا که خداوند که سرچشمه‌ی آموزه‌های وحیانی است، حکیم است و آیات قرآن را هم محکم معرفی می‌کند: «... كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ» (هود/۱) از بیهوده‌گویی به دور است و کاملاً هدفمند سخن می‌گوید، به‌طور قطع مفاهیم اخلاقی که بخشی از کتاب حکیم است از پیوندی منطقی و ساختاری منسجم برخوردار است؛ چرا که اندیشه‌های فاقد ارتباط و انسجام، هرگز نمی‌تواند از منبعی استوار و مستحکم برآمده باشد.

قرآن کتاب ارشاد، تبلیغ و هدایت است و بخش قابل توجهی از آن به هدایت و تربیت اخلاقی انسان‌ها اختصاص دارد و هدف اصلی نزول وحی در آیاتی چند از قرآن کریم (مانند: بقره/۱۸۵، آل‌عمران/۷۳، نساء/۱۰۵، مائده/۱۵-۱۶؛ اعراف/۵۴) تربیت و هدایت انسان معرفی شده است تا در پرتو آن از راه نفوذ در روح و افکار مردم جامعه‌ای به وجود آورد که از کمالات معنوی و تخلّق به اخلاق الهی برخوردار باشد؛ چنانچه ابن عربی تخلّق را به معنی چنگ زدن به ریسمان محکم الهی که همان قرآن است دانسته است (آرام و فاضلی، ۱۳۹۹، ص ۸۲). در این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی و بر اساس جدول تحلیل قالب مضامین در پی پاسخ دادن به این پرسش هستیم که طبقه‌بندی فضایل اخلاقی در قرآن کریم چگونه صورت پذیرفته است؟

با جستجویی که بر روی کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌ها انجام گرفت کتابی با رویکرد سطح‌بندی فضایل اخلاق اجتماعی قرآن کریم یافت نشد و در میان رساله‌ها می‌توان از رساله «نظام اولویت‌بندی و سلسله‌مراتب ارزش‌های اخلاقی در قرآن» نوشته علی رضوانی که به راهنمایی دکتر احمدحسین شریفی در دانشگاه معارف اسلامی به رشته نگارش در آمده است یاد کرد که تنها چهار فضیلت تقوا، صبر، توکل و عدالت را با توجه به معیارهای صوری و محتوایی در قرآن مورد ارزیابی قرار داده است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «جستاری در باب روابط ارزش‌های اخلاقی؛ گامی در مسیر کشف نظام اخلاقی قرآن» از سید علی اکبر حسینی منتشر شده و در مجله پژوهش‌های قرآنی در بهار سال ۱۳۹۵ به چاپ رسیده است که در آن نویسنده صرفاً نمونه‌هایی از مفاهیم اخلاقی را مطرح کرده است. مقاله دیگر «ساختار نظام مند مفاهیم اخلاقی در قرآن کریم (با محوریت سوره اسراء)» عنوان دارد که توسط محمدجانی‌پور در مجله علمی-پژوهشی اخلاق و حیانی در بهار سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده که در آن مؤلف تنها به بررسی مفاهیم اخلاقی در سوره اسراء پرداخته است.

تفاوت مقاله پیش رو با پژوهش‌های یاد شده این است که به طبقه‌بندی و سطح‌بندی شانزده فضیلت اخلاقی بر اساس روابط انسانی با کاوشی که بر روی تمام آیاتی که مربوط به فضایل اخلاقی قرآن بر اساس فرهنگ موضوعی اخلاق در قرآن وجود دارد، پرداخته است.



در فرآیند طبقه‌بندی فضایل اخلاقی قرآن کریم با دو بخش روبرو هستیم؛ در بخش اول ابتدا به مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی و بیان شاخص‌های طبقه‌بندی مفاهیم اخلاقی و سپس به استخراج مفاهیم اخلاقی در قرآن می‌پردازیم و در بخش دوم با تعریف هر یک از مفاهیم اخلاقی بیان‌شده شاخص‌هایی که بر آن مفهوم در آیات قرآن کریم دلالت دارند را جستجو می‌کنیم. در ادامه روابط موجود در بین این مفاهیم را بیان کرده و در نهایت با ارائه نموداری بر اساس جدول تحلیل قالب مضامین روابط بین مفاهیم عنوان شده را مشخص کرده و به پژوهش پایان خواهیم داد.

بخش اول: مقدمات

۱. مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی

۱-۱. اخلاق

«اخلاق» در اصل واژه‌ای عربی است که مفرد آن «خُلُق» و «خُلُق» می‌باشد. در لغت به معنای سرشت و سنجیه چه نیکو چه زشت بکار رفته است (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۴۷۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۱۸۶) و در اصطلاح عبارت است از «صفات نفسانی راسخ و پایداری که موجب می‌شوند افعالی متناسب با آن صفات به سهولت و بدون نیاز به تأمل از آدمی صادر شود» (ابن مسکویه، بی تا، ص ۳۰). آنچه از اخلاق در این مقاله مد نظر است عبارت است از خصلت‌های تثبیت شده درونی که رعایت آنها کرامت و فضیلت و بالاتر از عدالت است. در این مقاله محوریت بحث بر روی آن دسته از صفات اخلاقی است که در رابطه با انسان‌ها شکل می‌گیرند و قلمرو آنها از حوزه‌های تفکر و آگاهی، امور اعتقادی، حقوق، شعائر، مناسک، عبادات و آداب و رسوم جداست؛ چرا که در حوزه اعتقادی به مسائلی چون توحید، نبوت و امامت پرداخته می‌شود و آنچه مربوط به عرصه تعقل، تفکر و اندیشه است در حقیقت پایه و مبنای دین‌داری یا عقائد و باورها را تشکیل می‌دهد؛ در مناسک و شعائر، طهارات شرعی، نماز، روزه، حج و... مورد توجه قرار می‌گیرد، در مسائل حقوقی به مرزهای میان انسان‌ها توجه می‌شود و همچنین در آداب و رسوم هیئت‌های زیبایی که اعمال و رفتار آدمی بدان متّصف می‌گردد - که نحوه صدور این اعمال به صفات روحی شخص و عرف جامعه بستگی دارد- مورد توجه واقع می‌شود (مهریزی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۱-۱۱۲).

۲-۱. طبقه‌بندی

طبقه‌بندی به معنای رده‌بندی و صف‌بندی است (معین، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۰۲۰) که مترادف با کلماتی همچون تنظیم و ترتیب است و در زبان انگلیسی با کلماتی همچون assortment و categorization از آن یاد می‌شود.

۳-۱. فضایل اخلاقی

«فضایل» جمع «فضیلة» در چند معنا استعمال شده که «اضافه»، «معروف» و «برتری» از جمله آن معانی است (فراهیدی،

۱۴۱۰، ج ۷، ص ۴۵). این واژه آنگونه که در الصحاح آمده است دلالت بر نوعی کمال می‌کند؛ از این رو مخالف آن را واژه «نقص» دانسته‌اند (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۷۹۱). در این تعریف «فضیلت» به معنای «برتری نسبت به اقران و رقیبان هم‌تراز» است، اما در اخلاق معنای «صفت پسندیده» می‌دهد و جمع آن «فضایل» است و در مقابل اصطلاح «رذیلت» به معنای «صفات زشت و ناپسند» قرار دارد که با واژه «رذایل» جمع بسته می‌شود (سبحانی نیا، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۱).

۱-۴. مفاهیم اخلاقی

مفاهیم جمع مفهوم است که معادل انگلیسی آن واژه Concept است. در لغت معنایی است که از لفظ فهمیده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۳۲، ج ۲، ص ۱۶) و در اصطلاح اصولیون مفهوم مقابل منطوق بوده و به معنایی گفته می‌شود که در ظاهر کلام به چشم نمی‌آید ولی به سبب خصوصیتی از منطوق کلام فهمیده می‌شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۳۵۳). منظور از مفاهیم اخلاقی تصوراتی هستند که با به کار بردن الفاظ اخلاقی در ذهن انسان نقش می‌بندند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۲۵).

۲. شاخص‌های طبقه‌بندی

برای تعیین رتبه هر مفهوم از راه‌های متعددی باید استفاده کرد؛ چرا که این مسئله در متون دینی به وضوح تبیین نشده است و بنابراین در مقاله حاضر پنج شاخص تکرار، حصر، تفصیل، تشبیه و مقایسه عبارت‌ها و مضمون‌ها (مهریزی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۵) ملاک بررسی آیات قرار خواهد گرفت.

۲-۱. تکرار

بی‌تردید تکرار یکی از اصول و قواعد طبقه‌بندی است؛ چرا که بیان مکرر هر چیزی در واقع نشانه تأکید بر اهمیت آن مطلب است. بدین جهت برای طبقه‌بندی مفاهیم اخلاقی در قرآن باید به مقایسه عبارت‌ها نسبت به همدیگر با این رویکرد پرداخت تا جایگاه آن‌ها نسبت به یکدیگر مشخص گردد.

۲-۲. قصر و حصر

قصر و حصر در نزد لغویان به معانی کم کردن، محدود کردن، محبوس کردن و بازداشتن به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۰۵؛ ابن فارس، ۱۴۲۲، ص ۲۴۹) و معنای اصطلاحی آن عبارت است از اختصاص دادن چیزی (که مقصور یا محصور نام دارد) در چیزی دیگر (که مقصورٌ علیه یا محصورٌ فیه نامیده می‌شود) به شیوه‌ای ویژه که نزد اهل بلاغت آن زبان شناخته شده است (رجایی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۱).

۲-۳. افعال التفضیل

اسم تفضیل برای بیان برتری یک فرد و یا شیء نسبت به دیگری یا بیان زیادت و نقصان یک صفت به کار می‌رود. با این



فرض که دو یا چند چیز در اصل یک معنا یا صفت مشترک هستند؛ اما در مواردی نیز افعال التفضیل در جایی به کار می‌رود که اصل صفت در یکی از طرفین وجود ندارد، اما در فرض اتصال آن به مبدأ این تفضیل برقرار است (مهریزی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۷). به عنوان نمونه می‌توان به آیه شریفه «وَيَقُولُونَ لَنْ نَجْعَأَ إِلَى الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجَنَا الْأَعْرَابُ مِنَ الْأَذَلِّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ» اشاره داشت که «عَرَّ را نماینده صفت عزت و مختص خدا، رسول و مؤمنین، و «أَذَلِّ را نمایانگر صفت ذلت و - به طور ضمنی - مختص منافقان معرفی می‌کند.

۲-۴. تشبیه

تشبیه از ریشه شبه است و در لغت به معنای مانند کردن بوده و در اصطلاح بیان مشارکت یک یا چند چیز با یک یا چند چیز دیگر در یک یا بیش از یک صفت است که به واسطه ابزارهایی ویژه دال بر معنای مشابهت صورت می‌پذیرد (جرجانی، ۱۴۰۳، ص ۵۸؛ تهانوی، ۱۸۶۲، ص ۴۳۴). تشبیه دارای چهار رکن اساسی مشبه، مشبه‌به، وجه شبه و ادات تشبیه است.

۲-۵. بررسی عبارات‌ها و مضمون‌ها

یکی از معیارهای مؤثر در کشف مراتب ارزش‌های اخلاقی بررسی عبارات‌ها و مضمون‌هاست (مهریزی، ۱۳۹۴، ص ۲۲۷) که در آیات قرآن با زیر شاخه‌های مقایسه عبارات‌ها، تأکید، مقدم و مؤخر و ماده امر به آن می‌پردازیم.

۳. استخراج مفاهیم اخلاقی

با توجه به تعریفی که از اخلاق ارائه شد و با مبنا قرار دادن فرهنگ موضوعی اخلاق در قرآن مفاهیم فضایل اخلاقی که در ارتباط بین انسان‌ها وجود دارد بیست و چهار مورد به شرح ذیل است:

۱. استقامت و ثبات قدم، ۲. اقتصاد، ۳. اعتماد به نفس، ۴. الفت، ۵. امانت‌داری، ۶. انصاف، ۷. بزرگ‌منشی، ۸. تعهد و تخصص، ۹. حسن ظن، ۱۰. حیا، ۱۱. خیرخواهی، ۱۲. رازداری، ۱۳. سکینه، ۱۴. شجاعت. ۱۵. شرح صدر، ۱۶. شکر، ۱۷. صبر، ۱۸. صداقت، ۱۹. عزم مثبت، ۲۰. عفو، ۲۱. عفت، ۲۲. کرامت، ۲۳. محبت، ۲۴. مسئولیت‌پذیری؛ که تعدادی از این مفاهیم قابل ادغام هستند؛ مانند محبت، الفت، انصاف و بزرگ‌منشی که تحت عنوان مواسات بیان شده‌اند یا صفات استقامت و ثبات قدم، سکینه و شرح صدر با واژه رایج صبر بیان شده‌اند یا صفت کرامت که با خیرخواهی و نصیح و صفت تعهد و تخصص با صفت مسئولیت‌پذیری ادغام شده است؛ لذا تعداد فضایل اخلاقی که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود شانزده مورد به شرح ذیل خواهد بود:

اعتدال و اقتصاد، امانت‌داری، ایثار، تواضع، حسن ظن، حیا و عفت، خیرخواهی و نصیح، رازداری، شجاعت، شکر، صبر و حلم، صداقت، عزم مثبت، عفو، مسئولیت‌پذیری و مواسات (هم‌دردی و غم‌خواری).

شاهد مثال ما برای بررسی فضایل اخلاقی ذکر شده ۹۵ آیه از قرآن کریم است (که در پی‌نوشت ذکر می‌گردد) و این

تعداد از آیات با مرور تمام آیات اخلاقی قرآن و تتبع و بررسی آنها که حدود پانصد و شصت مورد را پوشش می‌دهد با توجه به تعریفی که از اخلاق ارائه شد، به دست آمده است.

آمار تقریبی فضایل اخلاقی با توجه به فرهنگ موضوعی اخلاق در قرآن و کتب اخلاقی رایج بین مسلمانان چهل و شش مورد است که عبارتند از: ۱. اخلاص، ۲. استقامت، ۳. اطاعت، ۴. اعتدال، ۵. اعتماد به نفس، ۶. اقتصاد، ۷. امانت‌داری، ۸. الفت، ۹. امیدواری، ۱۰. امین، ۱۱. انصاف، ۱۲. بزرگ‌منشی، ۱۳. تسلیم، ۱۴. تعهد و تخصص، ۱۵. تقوا، ۱۶. توکل بر خدا، ۱۷. ثبات قدم، ۱۸. جدیت در کار، ۱۹. حب‌پسنیدیده، ۲۰. حسن‌ظن، ۲۱. حلم، ۲۲. حیا، ۲۳. خشوع، ۲۴. خشیت، ۲۵. خودنگهداری، ۲۶. خوش‌باوری، ۲۷. خوش‌گمانی، ۲۸. خوش‌بینی، ۲۹. خوف، ۳۰. خیرخواهی، ۳۱. رازداری، ۳۲. رجا، ۳۳. سکینه، ۳۴. شجاعت، ۳۵. شرح‌صدر، ۳۶. شکر، ۳۷. صبر، ۳۸. صداقت، ۳۹. عزم‌مثبت، ۴۰. عفت، ۴۱. عفو، ۴۲. غبطه، ۴۳. کرامت، ۴۴. محبت، ۴۵. مسئولیت‌پذیری، ۴۶. همت بلند. در پژوهش حاضر تعداد فضایل اخلاقی که به آنها پرداخته شده است با توجه به تعریفی که از اخلاق و تفاوتش با پنج حوزه دیگر ارائه شد و نیز قابل ادغام بودن برخی از صفت‌های اخلاقی که الفاظ متعددی برای آنها به کار رفته اما معنایی نزدیک به هم دارند، شانزده مورد است و تعدادی از این مفاهیم مانند اخلاص، اطاعت، تقوا، اعتماد به نفس و جدیت در کار در دایره اخلاق بندگی یا اخلاق فردی می‌گنجد و به روابط بین انسان‌ها مربوط نمی‌شود.

بخش دوم: استخراج و طبقه‌بندی

۱. جستجوی شاخص‌های طبقه‌بندی بر مفاهیم فضایل اخلاقی استخراج شده در آیات قرآن کریم

۱-۱. اعتدال و اقتصاد

صفت اعتدال و اقتصاد که به معنای میانه‌روی در امور بدون افراط و تفریط به تناسب هر موضوع است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۷۲)، در آیات مربوط به فضایل اخلاقی فقط شاخص تکرار را به خود اختصاص داده است که عبارتند از: لقمان، ۱۹، فرقان/ ۶۳-۶۸، حدید/ ۲۳-۲۴، بقره/ ۱۸۰ و ۲۴۱، هود/ ۸۵، شعراء/ ۱۸۱-۱۸۴، اعراف/ ۸۵-۸۶، اسراء/ ۲۶، مطففین/ ۱-۳ و به این ترتیب جایگاه سوم را در بین فضایل اخلاقی در زمینه شاخص تکرار دارد.

۱-۲. امانت‌داری

امانت ضد خیانت است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۱) و از «ا م ن» به معنای آرامش، سکون و برطرف شدن خوف و اضطراب گرفته شده است. این واژه بر اعیان نیز اطلاق شده و به مالی که در نزد دیگری به امانت سپرده شود امانت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۹۰؛ مصطفوی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۶۴) و به شخص مورد اعتماد که امانت به او سپرده می‌شود امین گویند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۲۳). همچنین به معنای تأمین امنیت حقی از حقوق به وسیله عهد، وصیت و مانند آن



(طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۵۴) یا به معنای حالتی است که انسان را به حفظ حقوق دیگران برانگیخته و او را از تزییع یا تصرف در آن باز می‌دارد (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۲۰۳).

فضیلت اخلاقی امانت‌داری با هفت مورد تکرار در سوره‌های یوسف / ۵۴، نساء / ۵۸، آل عمران / ۷۵-۷۶، مؤمنون / ۱-۸، قصص / ۲۶، معارج / ۱۹-۳۵ و بقره / ۲۸۳ وجود دارد و شاخص تأکید در این صفت یک مورد است که در آن جمله اسمیه با استفاده از این مورد تأکید قرار گرفته است، آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء / ۵۸)، ماده/مر شاخص دیگری است که در همین آیه یافت شد.

۱-۳. ایشار

واژه ایشار بر وزن افعال از ریشه «ا ث ر» و به معنای مقدم داشتن دیگری بر خود است (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۷۵). این مفهوم در اصطلاح به معنای مقدم شمردن دیگری بر خود در کسب سود و منفعتی یا پرهیز از ضرر و زیانی است که نهایت برادری و دوستی بین دو نفر را نشان می‌دهد (جرجانی، ۱۴۰۳، ص ۵۹) که در بین شاخص‌های طبقه‌بندی تنها شاخص تکرار برای این مفهوم در سه مورد یافت شد که عبارتند از: سوره‌های حشر / ۹، بقره، ۲۰۷ و انسان / ۷-۹.

۱-۴. تواضع

تواضع به معنای فرو نهادن، خوار کردن (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۹۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۳۹۷) و خویش را کوچک نشان دادن (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ص ۴۶۴) آمده است. و در اصطلاح آن است که انسان خود را از کسانی که در جاه و مقام از او پایین‌ترند برتر نداند و نیز به معنای شکسته‌نفسی است که اجازه ندهد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن کردار و گفتاری است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می‌کند (نراقی، بی‌تا، ص ۳۰۰).

صفت اخلاقی تواضع با هفت مورد تکرار در سوره‌های شعراء / ۲۱۵، حجر / ۸۸، اسراء / ۲۴ و ۳۷، مریم / ۱۴، لقمان / ۱۸ و احزاب / ۳۵ یافت شد.

شاخص تأکید که به وسیله جمله اسمیه با این مورد تأکید قرار گرفته است، در آیه شریفه: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَّصِدِّقِينَ وَالْمُتَّصِدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب / ۳۵) وجود دارد.

۱-۵. حسن ظن

ظن اعتقاد ضعیفی است که دلیل قطعی نداشته باشد خواه حق باشد یا باطل؛ به عبارت دیگر ظن مرحله‌ای بین شک و یقین است که شک را در بر می‌گیرد؛ اما بر یقین قطعی اطلاق نمی‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۷۲). معادل ظن که واژه‌ای

عربی است در فارسی واژه گمان است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۵۹۰).

حسن ظن ترکیبی اضافی و در لغت به معنای گمان نیک و خوش‌بینی است؛ در مقابل سوء ظن به معنای بدگمانی و بدبینی است. این واژه در اصطلاح به معنای نیک‌انگاری درباره‌ی خداوند، فعل و انفعالات جهان و مؤمنین است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۳۴؛ انوری، ۱۳۸۲، ج ۸، ص ۲۸۹۰).

صفت اخلاقی حسن ظن تنها شاخص تکرار را با دو مورد در سوره‌های نساء/ ۹۴، نور/ ۱۲ به خود اختصاص داده است.

۱-۶. حیا و عفت

حیاء از ریشه «ح ی و» یا «ح ی ی» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۱۷؛ جوهری، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۳۲۴) به معنای خجالت است که در مقابل آن وقاحت و بی‌شرمی قرار دارد و عبارت است از انقباض (گرفتگی) نفس از زشتی‌ها و ترک آن به جهت زشت بودن و مورد نکوهش قرار گرفتن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۷۰؛ طریحی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۱۳) که در اصطلاح علمای اخلاق نیز به همین معنا استفاده شده است (ابن مسکویه، بی تا، ص ۶۷؛ طوسی، ۱۴۱۳، ص ۷۷).

در مورد معنای عفت می‌توان گفت: عفت از فضائل اخلاقی به معنای پاکدامنی و خویش‌داری به ایجاد حالتی در نفس اشاره دارد که انسان به وسیله آن از غلبه شهوات (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۷۳) و از انجام محرمات به‌ویژه شهوات حرام دوری می‌کند (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۵۹۶۶). عفت در معنایی عام بر دوری کردن از هر چیزی که حلال نیست (الْكَفُّ عَمَّا لَا يَحِلُّ) اطلاق شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۵۳).

فضیلت اخلاقی حیا و عفت با شش مورد تکرار در سوره‌های قصص / ۲۳-۲۵، نور / ۶۰، بقره / ۲۷۳، یوسف / ۲۳-۲۴، نساء / ۶، معارج / ۱۹-۲۹ وجود دارد و شاخص تفصیل در سوره نور آیه ۶۰ با کلمه خیر به چشم می‌خورد آنجا که می‌فرماید: «... وَ أَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ تأکید شاخص دیگری است که یک مورد در سوره یوسف یافت شد که به وسیله مفعول مطلق معاذ صورت گرفته است: «... قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي...» (یوسف / ۲۳).

۱-۷. خیرخواهی و نصیح

خیرخواهی که در کلام عرب از آن با واژه نصیح یاد می‌کنند عبارت از هر کار یا سخنی است که در آن مصلحت صاحب عمل و سخن باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۰۸) و از «نَصَحَهُ نَصْحًا وَ نَصَحًا»، یعنی او را پند داد و دوستی را بر وی خالص کرد، گرفته شده است. پند دادن را از آن جهت نصیح و نصیحت گویند که از روی خلوص نیت و خیرخواهی محض است (قرشی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۷۲). نصیح در اصطلاح اخلاق یعنی خیرخواهی و اینکه انسان نه تنها خواهان زوال نعمت از دیگران نباشد، بلکه خواهان بقای نعمت و فزونی آن برای همگان باشد و خلاصه هر آنچه از خیر و خوبی و سعادت برای خود می‌خواهد برای دیگران نیز بخواهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۴۸).

فضیلت اخلاقی خیرخواهی و نصیح با پنج مورد تکرار در سوره‌های نساء/ ۱۱۴، یوسف/ ۱۱-۱۲، آل عمران/ ۱۰۴، ۱۱۰ و ۱۱۴-۱۱۵ به چشم می‌خورد و شاخص حصر برای این مفهوم اخلاقی یک مورد است آنجا که می‌فرماید: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ...» (نساء/ ۱۱۴) و شاخص تفضیل در یک آیه وجود دارد که با کلمه خیر این تفضیل و برتری بیان شده است که عبارت است از: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (آل عمران/ ۱۱۰). در مورد شاخص بررسی عبارت‌ها و مضمون‌ها سه زیر شاخه تأکید، ماده/مر و مقایسه عبارت‌ها به شرح زیر قابل استنتاج است:

در بحث تأکید صفت خیرخواهی و نصیح با دو مورد تأکید در ردیف چهارم نسبت به سایر مفاهیم عنوان شده در فضایل اخلاقی است که هر دو در سوره یوسف آیه ۱۱ با عبارت «...وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ» مطرح شده است که یک مرتبه تأکید جمله اسمیه با «إِنَّ» و در مرتبه دیگر با «لَمْ» قابل مشاهده است.

ماده/مر شاخص دیگری است که در آیات مربوط به این فضیلت اخلاقی چهار مرتبه وجود دارد؛ یک مرتبه در سوره نساء «...مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ...» (نساء/ ۱۱۴) و سه مرتبه در سوره آل عمران آیات ۱۰۴ و ۱۱۰ که با عبارت «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ...» و آیه ۱۱۴ با عبارت «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ...» صورت گرفته است.

در بحث مقایسه عبارت‌ها در بررسی صفت «خیرخواهی و نصیح» و رابطه آن با سایر مفاهیم اخلاقی می‌توان گفت: فضیلت اخلاقی «خیرخواهی و نصیح» مقدمه صفت اخلاقی «امانت‌داری» با یک مرتبه تکرار با توجه به آیه شریفه: «قَالُوا يَا بَنَاتَنَا مَا لَكُمُ لَأْتَمَنَّ عَلَى يَوْسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ* أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (یوسف/ ۱۱-۱۲) است.

۸-۱. رازداری

واژه راز را در عربی سرّ می‌نامند که از ماده «س ر ر» است و در لغت به معنای پنهان کردن مطلبی در دل است؛ به معنای نگه داشتن سخن پنهان کسی در دل است و چنین فردی را رازدار گویند. «اسرار» به معنای گفتن راز پنهانی به کسی و سفارش به پنهان داشتن آن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۰۴).

تنها شاخص تکرار در بین شاخص‌های طبقه بندی در آیات مربوط به «رازداری» در دو مورد یافت شد که عبارتند از سوره‌های آل عمران/ ۱۱۸ و یوسف/ ۵.

۹-۱. شجاعت

شجاعت و دلیری که در لغت به معنای داشتن قوت قلب در هنگام سختی است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۱۷۳) به عنوان حالتی معرفی شده است که انسان در مصاف با دشمن و تحمل دشواری‌ها از قوت قلب برخوردار باشد (فیض کاشانی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۱۶). علمای اخلاق شجاعت را به استقامت و اعتدال در قوه غضبیه تعریف کرده‌اند؛ به این معنا که انسان تحت

فرمان عقل از انحراف به دو سوی افراط یعنی تهور و تغریط یعنی ترس مصون باشد. انسان شجاع را نیز کسی می‌داند که در عین داشتن قدرت روحی و قوت دل خشم و غضب خود را با نیروی عقل مهار می‌سازد (ابن مسکویه، بی تا، ج ۱، صص ۱۱۷، ۲۱۲). فضیلت اخلاقی «شجاعت» با یک مورد تکرار در سوره طه آیه ۶۸ وجود دارد.

۱-۱۰. شکر

شکر در لغت به معنای شناختن احسان و نشر آن و ستایش کردن صاحب آن است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۲۹۳؛ جوهری، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۰۲). راغب در تعریف شکر می‌نویسد:

شکر به یاد آوردن و تصور نعمت و اظهار آن است و به سه گونه است: به بیان دقیق‌تر شکر یک حالت نفسانی در وجود انسان است که آثار این حالت نفسانی به سه صورت در انسان جلوه گر می‌شود؛ ظهور آن در قلب به صورت خضوع، خشوع، محبت، خشیت و مانند آن است و در زبان به شکل ثنا، مدح و حمد و در افعال و اعمال ظاهری به شکل اطاعت و به کارگیری جوارح در راه رضای خدا (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۶۱).

صفت اخلاقی شکر با پنج مورد تکرار در سوره‌های آل عمران / ۱۲۳، قصص / ۱۷، ابراهیم / ۵ و ۷ و لقمان / ۱۴ وجود دارد؛ البته لازم به ذکر است که عبارت «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» در مجموع چهار مرتبه در قرآن کریم به مناسبت‌های مختلف تکرار شده است که بیان گر اهمیت دو فضیلت اخلاقی صبر و شکر است و شاخص تأکید با سه مورد فراوانی بیان شده است؛ یک مرتبه با افزودن بنای کلمه که با کلمه شکور صورت گرفته است «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (ابراهیم / ۵) و مرتبه دیگر، با لام قسم مشاهده می‌شود؛ «... لئن شكرتم لأزيدنکم...» (ابراهیم / ۷).

۱-۱۱. صبر و حلم

صبر در لغت عرب به معنای حبس و نیز در تنگنا و محدودیت قرار دادن است (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۷۱؛ مفردات الفاظ القرآن، ۱۴۱۲، ص ۴۷۴) و برخی نیز آن را بازداشتن نفس از اظهار بی‌تابی و بی‌قراری دانسته‌اند. (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۰۶) در اصطلاح ضد جزع و بی‌تابی، صبر و شکیبایی است و آن عبارت است از ثبات و آرامش نفس در سختی‌ها، بلایا و مصایب و پایداری و استقامت در برابر آنها به طوری که از گشادگی خاطر و شادی و آرامشی که پیش از حوادث داشت، بیرون نرود و زبان خود را از شکایت و اعضای خود را از حرکات ناهنجار نگاه دارد (نراقی، بی تا، ج ۳، ص ۲۸۱). صفت اخلاقی صبر با بیست و سه مورد تکرار جایگاه اول را در بین فضایل اخلاقی در زمینه شاخص تکرار دارد که عبارت است از آیات: بقره / ۴۵، ۱۷۷ و ۲۵۰، نحل / ۱۲۶-۱۲۷، ابراهیم / ۱۲، آل عمران / ۱۶-۱۷، ۱۸۶ و ۲۰۰، لقمان / ۱۷-۱۸، هود / ۱۰-۱۱، ۴۵ و ۱۱۲، مزمل / ۱۰، حج / ۳۴-۳۵، شوری / ۴۳، کهف / ۶۷-۷۲، نساء / ۲۵، یوسف / ۸۳ و ۹۰، عنکبوت / ۵۸-۵۹، فصلت / ۳۳-۳۵، انفال / ۴۶، یونس / ۸۹. شاخص حصر تنها یک مورد در آیه «و اصبر و ما صبرک إلا بالله...»

(نحل/ ۱۲۷) یافت شد که این حصر که امکان صبور بودن را جز به توفیق الهی امکان‌پذیر نمی‌داند بیان‌گر عظمت صفت صبر است. شاخص تفضیل نیز در دو آیه وجود دارد که در این شاخص هم صفت اخلاقی صبر نسبت به سایر فضایل اخلاقی بالاترین آمار را نشان می‌دهد و در هر دو آیه با کلمه خیر این تفضیل و برتری بیان شده است که عبارتند از: «وَلَكِنَّ صَبْرَتُمْ لَهٗوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ» (نحل/ ۱۲۶) و «وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ...» (نساء/ ۲۵) و شاخص بررسی عبارت‌ها و مضمون‌ها با دو زیرشاخه تأکید و مقایسه عبارت‌ها به این شرح قابل استنتاج است:

در بحث تأکید صفت «صبر» با دوازده مورد از سایر مفاهیم عنوان شده در فضایل اخلاقی مورد تأکید بیشتری قرار گرفته است که در دو آیه «وَلَكِنَّ صَبْرَتُمْ لَهٗوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ» (نحل/ ۱۲۶) و «...وَلَنصَبِرَنَّ عَلٰی مَا آذَيْتُمُونَا...» (ابراهیم/ ۱۲) به وسیله «لام قسم» تأکید صورت گرفته است؛ در دو آیه «وَأَصْبِرْ عَلٰی مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان/ ۱۸) و «...وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/ ۴۶) تأکید جمله اسمیه با «إِنَّ» بیان شده است. در آیات ۱۲۶ سوره نحل، ۳۵ سوره حج، ۱۷ سوره آل عمران، ۴۶ سوره انفال، ۸۹ سوره یونس و ۱۱۲ سوره هود بحث تأکید با زیاد کردن بنای کلمه که با کلمه صابرين و استقم بیان شده است، اتفاق افتاده است و تأکید در آیه ۱۲ سوره ابراهیم با نون ثقیله در كَنْصَبِرَنَّ و در آیه «وَلَكِنَّ صَبْرًا وَغَفْرًا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (شوری/ ۴۳) با لام تأکید مورد مشاهده است.

در بحث مقایسه عبارت‌ها در بررسی صفت صبر و رابطه آن با سایر فضایل اخلاقی می‌توان گفت: فضیلت اخلاقی صبر محصول صفت اخلاقی عزم مثبت با چهار تعلیل که در سوره‌های لقمان/ ۱۷، شوری، ۴۳ که توسط جمله تعلیلیه «إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» و آل عمران آیه ۱۸۶ با جمله تعلیلیه و «إِنَّ شَرْطِيَهُ (إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ)» به آن اشاره شده است و صداقت با توجه به سوره بقره آیه ۱۷۷ است و مقدمه صفت اخلاقی عفو با دو مرتبه تکرار با توجه به آیات «وَأَنَّ عَاقِبَتُكُمْ فَعَاقِبَةُ الْمُتَّقِينَ» (نحل/ ۱۲۶) و «وَلَكِنَّ صَبْرًا وَغَفْرًا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (شوری/ ۴۳) است.

۱۲-۱. صداقت

برخی از علما لغت صدق را ضد کذب دانسته و صدق را به معنای کمال هر چیزی و یا استواری هر چیزی تعریف کرده‌اند و صدیق را از این لغت می‌دانند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۵۶؛ جوهری، ۱۴۰۴، ج ۴، ص ۱۵۰۶). در تعریف اصطلاحی صدق، دو چیز شرط است: مطابقت سخن با درون، و مطابقت آن با واقعیت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۷۷).

صفت اخلاقی «صداقت» با سه مورد تکرار در سوره‌های زمر/ ۳۳، بقره/ ۱۷۷ و توبه/ ۱۱۹ وجود دارد. تأکید شاخص دیگری است که صفت «صداقت» را با «زیاد کردن بنای کلمه» مورد تأکید قرار می‌دهد آن‌جا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه/ ۱۱۹). در زمینه شاخص مقایسه عبارت‌ها می‌توان گفت که فضیلت اخلاقی صداقت مقدمه ایجاد صبر است با توجه به آیه شریفه: «وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسِ وَالضَّرَّاءِ وَالْبَأْسِ أَوْلَىٰ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ

أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره/ ۱۷۷).

۱-۱۳. عزم مثبت

عزم در لغت، تصمیم قلبی بر انجام کاری است، همچنین به معنای تلاش و جدیت در کار است. (فیومی، ۱۴۲۸، ص ۲۱۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۶۵)

صفت اخلاقی عزم مثبت با چهار مورد تکرار در سوره‌های آل عمران/ ۱۵۹ و ۱۸۶، لقمان/ ۱۷ و شوری/ ۴۳ وجود دارد و شاخص تأکید با سه مورد فراوانی که در سوره‌های آل عمران آیه ۱۸۶ و لقمان آیه ۱۷ با تأکید جمله اسمیه به وسیله *إِنَّ* و همچنین لام/بتدا در سوره شوری آیه ۴۳ مشاهده می‌شود. در بحث مقایسه عبارت‌ها در بررسی صفت عزم مثبت و رابطه آن با سایر فضایل اخلاقی می‌توان گفت که فضیلت اخلاقی عزم مثبت مقدمه صفت اخلاقی صبر با سه مرتبه تکرار با توجه به آیه شریفه: «... وَ إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (آل عمران/ ۱۸۶) و «... وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان/ ۱۷) و «وَ لَمَنْ صَبَرَ وَ عَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (شوری/ ۴۳) است که در این موارد با چهار تعلیل توسط جمله *إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ* و *إِنْ* شرط که در آیه ۱۸۶ سوره آل عمران هست روبرو هستیم.

۱-۱۴. عفو و صفح

عفو به معنای قصد گرفتن چیزی است و به همین مناسبت این واژه به ورزش بادهایی که منجر به ویرانی و گرفتن چیزی می‌شود، اطلاق شده است و اگر به محو کردن، عفو اطلاق می‌گردد به خاطر این است که آن هم نوعی قصد برگرفتن چیزی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۳۹). صفح عبارت است از درگذشتن و نکوهش نکردن که از معنی عفو رساتر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۳۹)؛ چرا که عفو مرحله نخست و به معنی گذشت و ترک انتقام و هر گونه عکس العمل است و صفح معنای روی گرداندن و نادیده گرفتن و فراموش کردن می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۲۱).

صفت اخلاقی عفو و صفح با هفده مورد تکرار که دوازده مورد آن از جهت لفظ است، در آیات: بقره/ ۱۰۹ و ۲۳۷، مائده/ ۱۳، نور/ ۲۲، نساء/ ۱۴۹، شوری/ ۳۷ و ۴۳، تغابن/ ۱۴، حجر/ ۸۵ و آل عمران/ ۱۵۹ وجود دارد و پنج مورد آن از جهت معنوی است که عبارتند از: بقره/ ۱۰۹، مائده/ ۱۳، نور/ ۲۲، تغابن/ ۱۴ و حجر/ ۸۵.

با توجه به آیات مطرح شده در مورد فضیلت اخلاقی عفو و صفح شاخص تفضیل در یک آیه وجود دارد که با کلمه *أَقْرَبُ* این تفضیل و برتری بیان شده است که عبارت است از: «وَ أَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ...» (بقره/ ۲۳۷). در مورد شاخص بررسی عبارت‌ها و مضمون‌ها دو زیر شاخه تأکید و مقایسه عبارت‌ها به شرح زیر قابل استنتاج است:

بحث تأکید در صفت عفو و صفح یک مورد شاهد مثال دارد که به وسیله مفعول مطلق بیان شده است آنجا که می‌فرماید: «...فَأَصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر/ ۸۵). در بحث مقایسه عبارت‌ها در بررسی صفت عفو و صفح و رابطه آن با سایر فضایل اخلاقی می‌توان گفت: فضیلت اخلاقی عفو محصول صفت اخلاقی صبر با یک مرتبه تکرار که در سوره شوری

آیه ۴۳ به آن اشاره شده است و مقدمه صفت اخلاقی صفح با چهار مرتبه تکرار است، با توجه به آیات: «...فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ...» (بقره/ ۱۰۹)، «...وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مائده/ ۱۳)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (تغابن/ ۱۴) و «...وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا...» (نور/ ۲۲). همچنین صفح که محصول صفت اخلاقی عفو است، با توجه به آیه اخیر خود مقدمه مفهوم اخلاقی مواسات است.

۱۵-۱. مسئولیت پذیری

مسئولیت به معنای ضمانت و تعهد است. عهد در لغت به معنای حفظ و نگه داشتن چیزی و مراعات نمودن آن چیزی است که مراعات آن لازم است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۹۱) و در اصطلاح به قراردادهای و پیمان‌هایی که باید آن‌ها را حفظ کرد و به دقت رعایت نمود عهد گفته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۶۴). مسئولیت چیزی با کسی بودن، یعنی به گردن او، در عهده او و در ضمان و پابندی او بودن است. بنابراین هرگاه انسان متعهد به انجام کاری می‌شود در حقیقت مسئولیت انجام آن کار را پذیرفته است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۸۴۶۵).

صفت اخلاقی «مسئولیت‌پذیری» با ذکر یک مورد در سوره یوسف آیات ۵۴-۵۶ وجود دارد. تأکید شاخص دیگری است با تأکید جمله اسمیه به وسیله *إِنَّ* و زیاد کردن بنای کلمه با آوردن کلمه *حَفِيزٌ* صورت گرفته است، آنجا که می‌فرماید: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيزٌ عَلِيمٌ» (یوسف/ ۵۵). در زمینه شاخص مقایسه عبارت‌ها می‌توان گفت: با توجه به آیه اخیر فضیلت اخلاقی مسئولیت‌پذیری محصول فضیله اخلاقی امانت‌داری است که با جمله *تَعْلِيْلِيَةٌ* «إِنِّي حَفِيزٌ عَلِيمٌ» به آن اشاره شده است.

۱۶-۱. مواسات

مواسات در لغت به معنای مساعدت، دستگیری، هم‌یاری، تعاون، برابر داشتن، غم‌خواری، یاری‌گری، مددکاری، مشارکت و سهیم ساختن در مال آمده است (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۷۶). ابن منظور در *لسان‌العرب* می‌نویسد:

به لحاظ لغوی و در زبان عربی، این واژه مواسات است و معنای آن ناظر به وضعیتی است که آدمی بخشی از مال خویش را در اختیار نیازمندی قرار دهد و او را در استفاده از مال خود مساوی با خود و شریک قرار دهد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۳۵).

فضیلت اخلاقی «مواسات» با سه مورد تکرار در سوره‌های بقره/ ۸۳، معارج/ ۲۴-۲۵ و نور/ ۲۲ وجود دارد و شاخص بررسی عبارت‌ها و مضمون‌ها در رابطه با این مفهوم با دو زیر شاخه مقدم و مؤخر و مقایسه عبارت‌ها، به شرح ذیل قابل استنتاج است:

مقدم و مؤخر در آیات مربوط به این فضیلت اخلاقی یک مرتبه وجود دارد، آنجا که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ * لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (معارج / ۲۴-۲۵) که در آن خبر مقدم شده است.

در بحث مقایسه عبارت‌ها در بررسی صفت «مواسات» و رابطه آن با سایر فضایل اخلاقی می‌توان گفت: صفح که محصول صفت اخلاقی عفو است، خود مقدمه صفت اخلاقی مواسات است با توجه به آیه «وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَ السَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيَعْفُوا وَيَلِصَفُحُوا أَلَّا تَحِبُّوا أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور / ۲۲).

۲- طبقه‌بندی فضایل اخلاقی بر اساس شاخص‌ها

در این مجال با توجه به آنچه با محوریت شاخص‌های تکرار، حصر، تفضیل، تشبیه و بررسی عبارت‌ها و مضمون‌ها با زیر شاخه‌های تأکید، مقدم و مؤخر، ماده امر و مقایسه عبارت‌ها در رابطه با فضایل اخلاقی مطرح شد، به بیان اولویت‌بندی مفاهیم فضایل اخلاقی در دو شاخه که در انتها هر دو به یک فضیلت اخلاقی می‌رسند می‌پردازیم. لازم به ذکر است که راه‌های استنتاج در یک سطح نیستند و بعضی از این شاخص‌ها اصل حاکم و مقدم بر دیگری به شمار می‌روند مثل حصر یا مقایسه عبارت‌ها (با اولویت علت و معلول، سبب و مسبب) که تا زمانی که وجود دارند نوبت به سایر شاخص‌ها نمی‌رسد و بعضی از این شاخص‌ها در فرض نبود شاخص‌های دیگر معنا پیدا می‌کنند و لحاظ می‌شوند و از آنجا که برخی دیگر از فضایل اخلاقی صدر و ذیل آن قسم از فضایل اخلاقی قرار می‌گیرند که بر اساس حصر یا مقایسه عبارت‌ها (با اولویت علت و معلول، سبب و مسبب) در اولویت قرار گرفته‌اند، لذا خود به خود جایگاهشان مشخص می‌شود.

۲-۱. شاخه اول

در بین فضایل اخلاقی ویژگی عزم مثبت بیشترین تعلیل را به خود اختصاص داده است؛ لذا این فضیلت اخلاقی در بین صفات فضیله اخلاقی جایگاه نخست را به خود اختصاص می‌دهد که با توجه به شاخص مقایسه عبارت‌ها در بررسی صفت عزم مثبت و رابطه آن با سایر فضایل اخلاقی می‌توان گفت: فضیلت اخلاقی عزم مثبت منجر به صفت اخلاقی صبر با سه آیه که در بردارنده چهار تعلیل است، می‌شود که عبارتند از آیات شریفه: «... وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (آل عمران / ۱۸۶)، «... وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان / ۱۷) و «وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (شوری / ۴۳) که در این موارد سه تعلیل از چهار تعلیل توسط جمله «إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» و یک تعلیل با این شرط که در آیه ۱۸۶ سوره آل عمران هست صورت گرفته است، این تعلیل‌ها ما را به فضیلت اخلاقی بعدی که صبر است و خود آیه دارای حصری است که بیان‌گر عظمت صبر است با توجه به آیه «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ...» (نحل / ۱۲۷) است، هدایت می‌کند.



حال که صفت عزم مثبت با چهار تعلیل مقدمه صفت صبر است، جایگاه صبر مشخص می‌شود و می‌توان در مورد جایگاه صفت اخلاقی دیگر که صداقت است هم صحبت کرد چرا که با توجه به شاخص مقایسه عبارت‌ها این فضیلت اخلاقی هم منجر به فضیلت اخلاقی صبر به شرح ذیل می‌شود:

صفت صداقت مقدمه ایجاد صبر است با توجه به آیه شریفه: «وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره/ ۱۷۷).

فضیلت اخلاقی صبر مقدمه صفت اخلاقی عفو با دو مرتبه تکرار با توجه به آیات «وَأِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ» (نحل/ ۱۲۶) و «وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (شوری/ ۴۳) است که جمله تعلیلیه «إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» نیز در آن بیان شده است و عفو خود مقدمه صفت اخلاقی صبح با چهار مرتبه تکرار با توجه به آیات «...فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ...» (بقره/ ۱۰۹)، «...وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (مائده/ ۱۳)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (تغابن/ ۱۴) و «...وَلَا يَأْتِلْ أَوْلُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أَوْلِيَ الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا...» (نور/ ۲۲) است و همچنین با توجه به همین آیه اخیر صبح که محصول صفت اخلاقی عفو است خود مقدمه صفت اخلاقی مواسات است.

با توجه به تعریف مواسات که عبارت است از: «وضعیتی که آدمی بخشی از مال خویش را در اختیار نیازمندی قرار دهد و او را در استفاده از مال خود مساوی با خود و شریک قرار دهد» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ص ۳۵)، می‌توان گفت فردی که فضیلت اخلاقی مواسات را دارد و آن را عملی می‌کند به فضیلت اخلاقی شکر عملی و به طور کلی شکر می‌رسد و از سوی دیگر با توجه به آیه «...لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...» (ابراهیم/ ۷) که شکر را باعث رشد می‌شمارد و رشد جزو مفاهیم عام انسانی است که به همه ابعاد وجود انسان مربوط می‌شود؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که شکر در مراتب بالای فضایل اخلاقی قرار دارد.

۲-۲. شاخه دوم

فضیلت اخلاقی امانت‌داری با توجه به آیه «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف/ ۵۵) از سویی مقدمه صفت اخلاقی مسئولیت‌پذیری است که با جمله تعلیلیه «إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» به آن اشاره شده است و از سویی دیگر محصول فضیلت اخلاقی خیرخواهی و نصیح است، با توجه به آیه شریفه: «قَالُوا يَا بَنَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ* أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (یوسف/ ۱۱-۱۲) و از آنجا که شاخص حصر برای این ویژگی اخلاقی مطرح است با توجه به آیه «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ...» (نساء/ ۱۱۴)؛ لذا در شاخه دوم این فضیلت اخلاقی در صدر و مقدمه فضایل اخلاقی دیگر قرار می‌گیرد و بعد از آن صفت اخلاقی امانت‌داری

و سپس مسئولیت‌پذیری قرار می‌گیرد و فردی که مسئولیت‌پذیر است با پذیرش مسئولیت خود را به فضیلت اخلاقی شکر می‌رساند و می‌توان گفت دو شاخه در فضیلت اخلاقی شکر به تلاقی می‌رسند.

تا این‌جا از شانزده صفت اخلاقی مورد بررسی جایگاه نه مفهوم اخلاقی مشخص شد و هفت مورد دیگر را بر اساس ارزیابی‌های کیفی صورت گرفته بر روی آیات مد نظر بررسی می‌کنیم:

سه فضیلت اخلاقی حیا و عفت، تواضع و شجاعت در بین هفت صفت باقی مانده فضایی هستند که به ترتیب بیشترین شاخص‌های استکشاف را به شرح ذیل به خود اختصاص داده‌اند:

صفت اخلاقی حیا و عفت با شش مورد تکرار در سوره‌های قصص / ۲۳-۲۵، نور / ۶۰، بقره / ۲۷۳، یوسف / ۲۳-۲۴، نساء / ۶، معارج / ۱۹-۲۹ وجود دارد که از نظر تکرار در جایگاه پنجم نسبت به سایر مفاهیم فضایل اخلاقی قرار دارد و شاخص تفضیل با کلمه خیر در آیه شریفه: «... وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (نور / ۶۰) به چشم می‌خورد و تأکید شاخص دیگری است که در صفت حیا و عفت یک مورد در سوره یوسف وجود دارد که به وسیله مفعول مطلق معاذ صورت گرفته است «... قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي...» (یوسف / ۲۳).

فضیلت اخلاقی تواضع با هفت مورد تکرار که فهرست آن عنوان شد جایگاه چهارم را در بین فضایل اخلاقی در زمینه شاخص تکرار دارد و شاخص تأکید با یک مورد فراوانی یافت شد که به وسیله جمله اسمیه با «إِنَّ» مورد تأکید قرار گرفته است آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب / ۳۵).

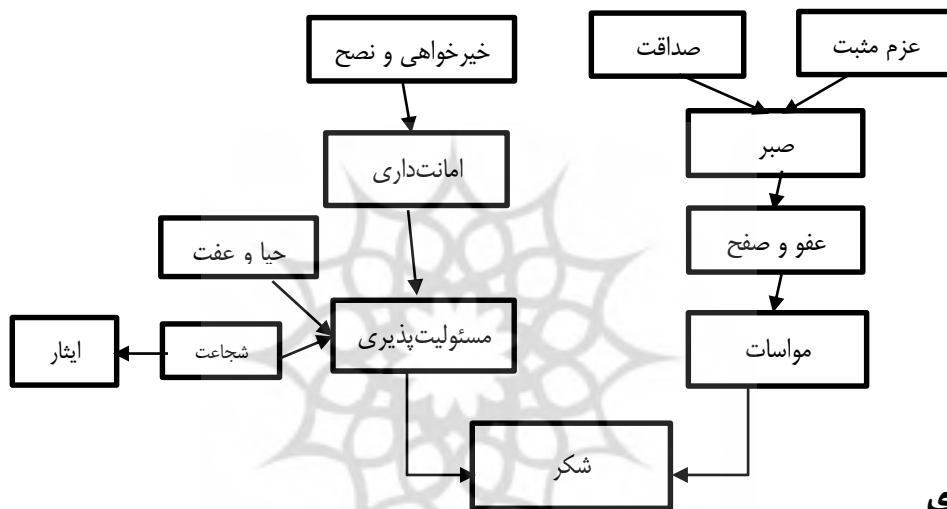
فضیلت اخلاقی شجاعت با یک مورد تکرار در سوره طه آیه ۶۸ وجود دارد. دو فضیلت اخلاقی حیا و عفت، شجاعت از نظر وجدانی و یافته‌های درونی در افراد منجر به فضیلت اخلاقی مسئولیت‌پذیری می‌شود و البته مفهوم اخلاقی شجاعت با همین استدلال منجر به فضیلت اخلاقی ایثار می‌شود که موارد مطرح شده در جدولی که در ادامه نتیجه خواهد آمد قابل مشاهده است.

نتیجه

از جمله عوامل نظری که برای تحقق جامعه اخلاقی مهم است، طبقه‌بندی مفاهیم اخلاقی است که در این مقاله شانزده مفهوم فضایل اخلاقی را با محوریت روابط بین انسان‌ها با توجه به پنج شاخص: تکرار، حصر، تفضیل، تشبیه و مقایسه عبارت‌ها و مضمون‌ها با غور در آیات اخلاقی قرآن مورد بررسی قرار دادیم که در انتها در دو شاخه توانستیم به طبقه‌بندی دوازده فضیلت اخلاقی با نقطه اوج و تلاقی صفت اخلاقی «شکر» که در قالب جدول ذیل قابل مشاهده است برسیم.

پژوهش‌های دیگر نه تنها این تنوع شاخص و گستردگی آیات را در پژوهش خود ملاک قرار ندادند بلکه به طبقه‌بندی این تعداد از مفاهیم اخلاقی هم نپرداخته‌اند.

این پژوهش در ابتدای مسیری جدید به طبقه‌بندی فضایل اخلاقی قرآن کریم پرداخته است و جا دارد رذایل اخلاقی هم در آیات قرآن مشخص و طبقه‌بندی گردد و همچنین از دیدگاه مفسران هم ابعاد تفسیری این آیات با محوریت طبقه‌بندی فضایل اخلاقی مورد بررسی قرار بگیرد تا به این ترتیب نتیجه‌گیری نهایی مهم و مفاهیم اخلاقی به منظور رسیدن به جامعه اخلاقی امکان‌پذیر گردد و بتوان نتیجه حاصل از آن را در مباحث روانشناسی و روانشناختی مورد توجه قرار داد.



سپاسگزاری

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند که از نظرات و توضیحات سازنده داوران محترم مقاله که موجب ارتقای کیفی آن گردید، قدردانی و تشکر نمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ملاحظات اخلاقی

نقش نویسندگان:

نویسنده اول: مریم دهقانی فیروزآبادی، مسئول مکاتبات با نشریه، ایده‌پرداز اصلی مقاله، جمع‌آوری داده‌ها، نگارش اولیه و نهایی مقاله، تحلیل و نقادی، انجام اصلاحات.

نویسنده دوم: مهدی مهریزی طرقي، نویسنده مسئول، استاد راهنما، خوانش و تأیید نهایی مقاله.

نویسنده سوم: طاهره محسنی، استاد مشاور، خوانش و تأیید نهایی مقاله.

حامی مالی: این پژوهش هیچ کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی دریافت نکرده است.

تعارض منافع: طبق اظهار نویسندگان، این مقاله تعارض منافع ندارد.

برگرفته از پایان‌نامه/رساله: این مقاله متخذ از رساله دکتری با عنوان «مفاهیم اخلاقی در قرآن:

تحلیل روابط و سطح بندی» دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران است.



منابع

- قرآن کریم. (۱۴۱۸ق). ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، چاپ سوم.
- آرام، علیرضا؛ فاضلی، سید احمد. (بهار ۱۳۹۹). منابع معرفت اخلاقی در اندیشه ابن عربی. فصلنامه تأملات اخلاقی، ۱(۱): ۷۱-۱۰۲.
- ابن عاشور، محمد الطاهر. (۱۴۲۰ق). تفسیر التحرير و التنوير المعروف بتفسیر ابن عاشور. بیروت: مؤسسة التاريخ العربی، چاپ اول.
- ابن فارس بن زکریا، ابی الحسین. (۱۴۲۲ق). معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر، چاپ سوم.
- ابی علی مسکویه. (بی تا). تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق. قم: انتشارات بیدار، چاپ سوم.
- اسماعیلی، ذاکری؛ شرفی و یعقوبی. (۱۳۸۷). فرهنگ موضوعی اخلاق در قرآن، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تیان. <https://library.tebyan.net>
- انوری، حسن. (۱۳۸۲ش). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم.
- بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵ش). فرهنگ ابجدی. تهران: اسلامی، چاپ دوم.
- جرجانی، علی بن محمد بن علی الزین. (۱۴۰۳ق). التعریفات. بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۴ق). الصحاح. بیروت: دار العلم للملایین، چاپ سوم.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷ش). لغت نامه دهخدا. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار الشامیه، چاپ اول.
- رجایی، محمد خلیل. (۱۳۷۹ش). معالم البلاغه در علم معانی و بیان. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ پنجم.
- زبیدی، مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القرآن. بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- سبحانی نیا، محمد تقی. (۱۳۹۳ش). قرآن کتاب اخلاق. قم: انتشارات دار الحدیث، چاپ اول.

- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، چاپ سوم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۶۲ش). مجمع البحرین. تهران: مکتبه‌المرتضویه، چاپ دوم.
- فاضل لنکرانی، محمد. (۱۳۷۷ش). سیری کامل در اصول فقه. قم: روزنامه فیضیه، چاپ اول.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). العین. قم: مؤسسه دارالهجرة، چاپ دوم.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۰۱ق). مفاتیح الشرائع. قم: مجمع الذخائر الاسلامیه، چاپ اول.
- فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۲۸ق). المصباح المنیر. بیروت: المکتبه‌العصریه، چاپ اول.
- قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
- مروتی، سهراب؛ بهروز، فریبا. (۱۳۹۵). معناشناسی واژه اعتماد به نفس در قرآن و حدیث، پژوهشنامه معارف قرآن، ۷، (۲۷): ۱۰۷.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۴ش). فلسفه اخلاق. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ سوم.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۹۵ق). التحقیق فی کلمات القرآن. تهران: نشر کتاب، چاپ اول.
- معین، محمد. (۱۳۸۱ش). فرهنگ معین. تهران: کتاب راه نو، چاپ چهارم.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۵ش). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ چهارم.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۳۲ق). موسوعه الفقه الاسلامی المقارن. قم: دار النشر الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، چاپ اول.
- مهریزی، مهدی. (۱۳۹۴ش). شاخص‌های دین داری. تهران: نشر علم، چاپ اول.
- نراقی، محمد مهدی. (بی تا). جامع السعادات. بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
- نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). اخلاق ناصری. تهران: انتشارات علمیه اسلامیة، چاپ اول.

مفاهیم	تکرار	حصر	تفضیل	تشبیه	بررسی عبارت‌ها و مضمون‌ها



مقایسه عبارتها	ماده امر	مقدم و موخر	تأکید					
							۱۰ مورد (لقمان، ۱۹؛ فرقان، ۶۳-۶۸؛ حدید، ۲۳-۲۴؛ بقره، ۱۸۰ و ۲۴۱؛ هود، ۸۵؛ شعراء، ۱۸۱-۱۸۴؛ اعراف، ۸۵-۸۶؛ اسراء، ۲۶؛ مطففین، ۱-۳)	۱ اعتدال و اقتصاد
	۱ مورد (نساء، ۵۸)		۱ مورد (نساء، ۵۸)				۷ مورد (یوسف، ۵۴؛ نساء، ۵۸؛ آل عمران، ۷۵-۷۶؛ مؤمنون، ۱-۸؛ قصص، ۲۶؛ معارج، ۱۹-۳۵؛ بقره، ۲۸۳)	۲ امانتداری
							۳ مورد (حشر، ۹؛ بقره، ۲۰۷؛ انسان، ۷-۹)	۳ ایثار
			۱ مورد (احزاب، ۳۵)				۷ مورد (شعراء، ۲۱۵؛ حجر، ۸۸؛ اسراء، ۳۷؛ مریم، ۱۴؛ لقمان، ۱۸؛ اسراء، ۲۴؛ احزاب، ۳۵)	۴ تواضع
							۲ مورد (نساء، ۹۴؛ نور، ۱۲)	۵ حسن ظن
			۱ مورد (یوسف، ۲۳)	۱ مورد (نور، ۶۶)			۶ مورد (قصص، ۲۳-۲۵؛ نور، ۶۰؛ بقره، ۲۳۳؛ یوسف، ۲۳-۲۴؛ نساء، ۶؛ معارج، ۱۹-۲۹)	۶ حياء و عفت
خبرخواهی و نصیح امانتداری (یوسف، ۱۱-۱۲)	۴ مورد (نساء، ۱۱۴؛ آل عمران، ۱۰۴؛ ۱۱۰ و ۱۱۴)		۲ مورد (یوسف، ۱۱)	۱ مورد (آل- عمران، ۱۱۰)	امور (نساء، ۱۱۴)		۵ مورد (نساء، ۱۱۴؛ یوسف، ۱۱-۱۲؛ آل- عمران، ۱۰۴؛ ۱۱۰ و ۱۱۴-۱۱۵)	۷ خبرخواهی و نصیح
							۲ مورد (آل- عمران، ۱۱۸؛ یوسف، ۵)	۸ رازداری
							۱ مورد (طه، ۶۸)	۹ شجاعت
شکوه رشد (ابراهیم، ۷)			۲ مورد (ابراهیم، ۵ و ۷)				۵ مورد (آل عمران، ۱۲۳؛ قصص، ۱۷؛ ابراهیم، ۷؛ و لقمان، ۱۴)	۱۰ شکر
صبر عفو (نحل، ۱۲۶) عزم استوار (لقمان، ۱۷؛ شوری، ۴۳؛ آل- عمران، ۱۸۶) جمله			۱۲ مورد (ابراهیم، ۱۲؛ نحل، ۱۲۶؛ مرتبه، حج، ۳۵)	۲ مورد (نحل، ۱۲۶؛ نساء، ۲۵)	۱ مورد (نحل، ۱۲۷)		۲۳ مورد (بقره، ۲۵۰؛ نحل، ۱۲۶-۱۲۷؛ ابراهیم، ۱۲؛ آل- عمران، ۱۸۶؛ لقمان، ۱۷-۱۸؛ هود، ۱۱-۱۰؛ بقره، ۴۵)	۱۱ صبر

			آل عمران/۱۷؛ انفال، ۴۶؛ یونس، ۸۹؛ هود، ۱۱۲؛ ابراهیم، ۱۲؛ لقمان، ۱۸؛ انفال، ۴۶؛ شوری، ۴۳ (بقره، ۱۷۷)			هود، ۴۹؛ مزمل، ۱۰؛ حج، ۳۴-۳۵؛ شوری، ۴۳؛ کهف، ۶۷-۷۲؛ نساء، ۲۵؛ یوسف، ۸۳ و ۹۰؛ آل- عمران، ۱۶-۱۷؛ عنکبوت، ۵۸-۵۹؛ آل عمران، ۲۰۰؛ فصلت، ۳۳-۳۵؛ انفال، ۴۶؛ بقره، ۱۷۷؛ یونس، ۸۹؛ هود، ۱۲ (۱۲)		
تعلیلیه + ان شرطیه در آیه ۱۸۶ آل عمران؛ در مجموع ۴ تعلیل) تواضع ← صبر (بقره، ۴۵؛ حج، ۳۴- ۳۵) صداقت ← صبر (بقره، ۱۷۷)			۱ مورد (توبه، ۱۱۹)			۳ مورد (زمر، ۳۳؛ بقره، ۱۷۷؛ توبه، ۱۱۹)	صداقت	۱۲
عزم استوار ← صبر (آل- عمران، ۱۸۶؛ لقمان، ۱۷) (جمله تعلیلیه + ان شرطیه در آیه ۱۸۶ آل عمران؛ در مجموع ۳ تعلیل) عزم استوار ← صبر عفو (شوری، ۴۳؛ در) هر دو، جمله تعلیلیه)			۳ مورد (آل- عمران، ۱۸۶؛ لقمان، ۱۷؛ شوری، ۴۳)			۴ مورد (آل عمران، ۱۸۶؛ لقمان، ۱۷؛ شوری، ۴۳؛ آل عمران، ۱۵۹)	عزم مثبت	۱۳
عفو صفح (بقره، ۱۰۹؛ مائده، ۱۳؛ تغابن، ۱۴) عفو صفح مواسات (نور، ۲۲) عزم استوار صبر عفو (شوری، ۴۳؛ جمله تعلیلیه)			۱ مورد (حجر، ۸۵)	۱ مورد (بقره، ۲۳۷)		۱۷ مورد (بقره، ۲)؛ ۱۰۹ مرتبه؛ مائده، ۱۳ (۲) مرتبه؛ نور، ۲۲ (۲ مرتبه)؛ نساء، ۱۴۹؛ شوری، ۳۷ و ۴۳؛ تغابن، ۱۴ (۲ مرتبه)؛ حجر، ۸۵ (۲ مرتبه)؛ بقره، ۲۳۷؛ آل- عمران، ۱۵۹)	عفو و صفح	۱۴
امانتداری مسئولیت پذیری (یوسف، ۵۵؛ جمله تعلیلیه)			۲ مورد (یوسف، ۵۵)			۱ مورد (یوسف، ۵۴- ۵۶)	مسئولیت پذیری	۱۵
عفو و صفح مواسات (نور، ۲۲)		۱ مورد (معارض، ۲۴-۲۵)				۳ مورد (بقره، ۸۳؛ معارض، ۲۴-۲۵؛ نور، ۲۲)	مواسات	۱۶